

بررسی آیین‌های سوگواری عاشورا در گفت‌وگوی سوسن شریعتی با «شرق»

اشک با شناخت



در سال‌های اخیر سبک‌های خاصی از عزاداری و مداحی باب شده است که متفاوت از سبک‌های سنتی است؛ سبک‌هایی که جوانان گرایش بیشتری به آن دارند. در واقع به نظر می‌رسد نوعی ترکیب و گزینش در رفتارهای مذهبی جوانان وجود دارد و همین باعث می‌شود سبک‌های عزاداری آنها متفاوت از سبک‌های سنتی باشد. سوسن شریعتی اگرچه این نوآوری در رفتار جوانان و این گزینش و ترکیب را می‌پذیرد اما معتقد است نوآوری‌ها نسبت به سنت دیرینه سوگواری، فقط مختص به جوانان و محدود به سبک‌های عزاداری و مداحی نیست بلکه به شکل‌های مختلف و عمیق‌تر قابل مشاهده است.

به نظر می‌آید رفتار دینی نسل جدید نسبت به گذشته تفاوت‌ها و خصوصیات جدیدی پیدا کرده است. نوعی گزینش و ترکیب را می‌توان در آن دید. چگونه می‌شود آن را تحلیل کرد؟

جوانان و رفتارشان در حوزه اجتماعی، دینی، روانی و... با همه بدعت‌ها، خلاقیت‌ها و تناقضاتی که با خود حمل می‌کنند تا به حال از مناظر مختلفی موضوع مطالعه قرار گرفته است. شاید یکی از تعاریف جوانی همین باشد: «بدعت، خلاقیت، تناقض». بی‌آنکه بخواهیم یا بشود پرونده جوانان را از کلیتی به نام دوره، مرحله و موقعیت انضمامی اجتماعی و تاریخی جامعه ما تفکیک کرد، می‌توان لاقال به عنوان نمونه‌ای معرف در نظر گرفت و بررسی کرد. چنانچه رفتار دینی نیز اگرچه ناظر بر امری جهانشمول (باورها) و آیین‌ها=دین است اما جهانشمولی است که خود را از خلال زمان و مکان عرضه می‌کند و از همین رو متنوع زیست می‌شود، تابع همین جا و هم‌اکنون. رویکرد تاریخی نشان می‌دهد اساساً در هیچ حوزه‌ای نمی‌توان یک «تاب اولیه» را فرض گرفت فقط می‌توان شدت و ضعفش را در هر دوره بررسی کرد. اینقدر هست که زمان و مکان ما- مثل هر زمان و مکانی- دستخوش بزمگاه‌های اساسی است که ما را در بسیاری از حوزه‌های فردی، اجتماعی و فرهنگی در معرض انتخاب‌های جدید، گزینش‌های جدید و بالطبع ترکیبات بدیع قرار می‌دهد. شکی نیست که امروز بیشتر از همه وقت ما در معرض ترکیب و گزینشیم. پرسش این است که این ترکیب‌ها در بسیاری از حوزه‌ها از جمله در رفتار دینی، گزینشی آگاهانه از عناصر وام گرفته از سیستم‌ها و دنیاهای موازی و گاه بی‌ربط به هم هست یا اینکه نوعی ملغمه ناآگاهانه است و در نتیجه منفی؟ (سنکرتیک است یا اکلکتیک) امتزاج انواع در رفتار مذهبی جوانان امری بدیهی و فراگیر است و در عین حال بدیع. بدیهی است چرا که همواره و در گذشته این امتزاج و ترکیب وجود داشته است و رفتار مذهبی با عناصری از زمان و مکان در گفت‌وگو و ربط بوده است و البته بدیع است چرا که این بار این ترکیب و اجبار به گزینش مبتنی بر عناصری ظاهراً بی‌ربط با یکدیگر صورت می‌گیرد. در جهان بی‌مرز امروزی طبیعتاً با بالا رفتن تعداد گزینه‌ها،

به نظر می‌آید آنچه در رفتار جوانان تغییر کرده است این آزادی عملی است که برای خود در برقراری نسبت با قدس در خلوت و در جلوت قائل است. عدم تبعیت از فرم‌های تعریف شده در رفتار دینی، احتمالاً همان مشخصه‌ای است که بیگانگی نسبت به شاعر مذهبی نام می‌گیرد. مقصود اینکه هنوز معلوم نیست نامش را باید بی‌اعتنایی به شاعر مذهبی گذاشت یا بی‌اعتنایی به فرم‌های کلیشه‌ای رفتار مذهبی.

امکان ترکیبات جدید هم ارتقا یافته است. همین ترکیبات جدید و موقعیت بدیع است که ما را در مشاهداتمان دچار سرگیجه می‌کند. این بدعت‌ها و ترکیبات آیا نشانه عبور است یا دلیلی برای میل به تداوم. در مقام متولی سنت یا به عنوان روشنفکر و اکتور اجتماعی یا شهروند مدام با مشاهده امروز خود با این پرسش روبه‌رو می‌شویم که چگونه‌ایم و چرا؟ به خصوص این پرسش بیشتر از خلال پرونده جوانان پیش کشیده می‌شود. آیا جامعه ما و از جمله برخی جوانان ما بی‌اعتنایند یا برعکس همچنان می‌توان شاهد پافشاری و بقای عناصر مذهبی- اگرچه با عناصری جدید و با ترکیبی نوین- در رفتار آنان بود؟ نشانه گسست باشد یا تداوم، این همه محتوم است یا می‌توان در آن دخالت کرد و به مسیری دلخواه پیش برد؟ آیا اصلاً مسیر دلخواه بازگشت به آن ناب اولیه است یا خلق الگویی هوشمندانه‌تر؟

ارزیابی‌ها نشان می‌دهد بخشی از جوانان معاصر ما نسبت به شاعر مذهبی ناآشنا هستند، اما در دهه محرم شاهد حضور این جوانان در دسته‌های عزاداری هستیم. این رفتار جوانان را چگونه می‌توان توجیه کرد؟

آیین و مناسک در هر مذهبی نقش مشخصی را بر عهده دارند: تقسیم‌بندی مادی زمان قدسی و انضمامی کردن نسبت با امر قدسی. هم واجد وجهی عمودی‌اند (ذهنی: رابطه فرد مومن و خداوند) و هم وجهی افقی (اجتماعی: فرد مومن و دیگر همنوعان) از این رو هم کاربردی فردی دارد و هم نقشی اجتماعی. به نظر می‌آید آنچه در رفتار جوانان تغییر کرده است این آزادی عملی است که برای خود در برقراری نسبت با قدس در خلوت و در جلوت قائل است. عدم تبعیت از برخی فرم‌های تعریف شده در رفتار دینی، احتمالاً همان مشخصه‌ای است که بیگانگی نسبت به شاعر مذهبی نام می‌گیرد. مقصود اینکه هنوز معلوم نیست نامش را باید بی‌اعتنایی به شاعر مذهبی گذاشت یا بی‌اعتنایی به برخی فرم‌های کلیشه‌ای رفتار مذهبی. حضور جوانان در ماه محرم و در دسته‌های عزاداری بسیار قابل ملاحظه است اما حضورشان متفاوت با عزاداری‌های سنتی است و ای بسا این تفاوت را بتوان در امتداد همان اجرای متفاوت شاعری دانست که نه جمعی بلکه در خلوت فردی مومن اتفاق می‌افتد. طبیعتاً در مناسک جمعی این تفاوت‌ها، بدعت‌ها و نوآوری‌ها امکان بروز بیشتری پیدا می‌کنند. منظورم این است که شاید هم خیلی پارادوکس نباشد؛ در امتداد هم باشد. باورها و آیین‌ها در هر مذهبی نسبتی دینامیک با یکدیگر دارند و از یکدیگر تأثیر می‌پذیرند و هر جا موقعیتی پیش بیاید این اراده و تلاش بروز پیدا می‌کند. این می‌تواند نوعی توضیح باشد. در غرب قرون میانه، کیش توسل و شفاعت و خلق الگوهای متفاوت و آزاد رفتار دینی در برابر سنت کلیسایی با توسل به مریم قدیس در یک دوره‌ای شکل گرفت و اوج پیدا کرد و اندک‌اندک رنگ باخت. قیام کربلا و اسطوره امام حسین (مقاومت، مظلومیت، آزادگی) مهدی قائم و انتظار تاریخی ما و... این امکان و پتانسیل را داشته است که در هر یک از

بزنگاه‌ها با وجدان اجتماعی و فردی ما پیوند بخورد و هر بار در شکل برگزاری‌اش از این وجدان متغیر اثر بپذیرد. وجدان مذهبی شیعه با تکیه بر این تاریخی که اسطوره شده است گاه تکیه بر وجه رهایی‌بخش اجتماعی آن کرده است، گاه آن را منبعی برای شفاعت و رستگاری فردی دانسته است. گاه بر مظلومیت شهدای کربلا گریسته است، گاه بر شهامت و مقاومت آن اسطوره‌ها پای فشرده تا برای شهامت و مقاومت خود راهی باز کند.

طی یک دهه اخیر برخی شیوه‌هایی از مداحی در ایران باب شده است که اعتراض بسیاری از روحانیون سنتی را در پی داشته است. چه نقشی می‌توان برای این سبک‌های جدید مداحی در ایجاد رغبت و گرایش جوانان نسبت به عزاداری در ماه محرم قائل شد؟

برخوردهای چندگانه‌ای با این آیین سوگ و این اسطوره تاریخ مذهبی ما شده است و می‌شود. خود شده است یکی از همان بزنگاه‌هایی که از آن نام برده شد. قیام عاشورا و فاجعه کربلا به عنوان یکی از نقاط عزیمت هویت شیعی، سرمنشاء شکل‌گیری سنت‌های بسیاری شده است، در عین حالی که آمده و پیوند خورده است با سنن ایرانی باستانی. (سیاوش‌خوانی) در نتیجه از هم آغاز ترکیبی بوده است از سنت و نوآوری. در اینجا نیز آن «تاب اولیه» وجود ندارد و همواره جدید و قدیم را با هم داشته است. در نتیجه دلیل ندارد که از موقعیت‌های جدیدی که پیدا می‌کند متعجب شویم. امروز سه نوع رفتار در آیین سوگواری ما به موازات هم دیده می‌شود. سوگواری‌های سنتی، سوگواری‌های جوانان و سوگواری‌های رسمی. تفاوت‌هایشان را عمدتاً می‌شود هم از خلال متون برگزیده، نوع استفاده از ریتم و موسیقی و لحن، نوع مراجعه به حادثه، میزانشن و بازسازی حادثه و سازماندهی مراسم دریافت. اینکه خودانگیخته است یا سازمان‌یافته توسط نهادها، اینکه معطوف به بخشنامه‌هاست یا معطوف به سنت‌های تعریف‌شده توسط نهاد رسمی روحانیت، اینکه مداح‌محور است یا در محضر یک چهره روحانی اتفاق می‌افتد، در تکایا و هیات‌ها برگزار می‌شود یا در مساجد و... نوآوری‌ها نسبت به سنت دیرینه سوگواری فقط مختص به جوانان نیست. مشارکت بالا و فعال برخی نهادهای دولتی در مدیریت شکل برگزاری و محتوای مراسم سوگواری نوآوری

جدی و قابل ملاحظه‌ای است. مشارکت بالا در هزینه‌های مراسم، تجهیز و کمک مالی به بیش از ۹ هزار هیأت مذهبی، تدارک نمایشگاهی بزرگ از سوی شهرداری به نام «نمایشگاه عطر سیب» در فرهنگسرای خاوران و عرضه محصولات و اقلام مربوط به این ایام که خود نشانگر شکل‌گیری چیزی به نام «بازار» سوگواری است. (فروش وسیع و گسترده محصولات چون «تی‌شرت»، بیرق، پرچم، فرش و موکت، پوستر، لوح فشرده، نقش‌برجسته، چاپ آرم، به نقل از روزنامه تهران امروز، ۱۵ آذر ۸۹) اینها نشانه‌هایی از نوآوری‌ها در شکل است. اما نوآوری‌های محتوایی هم از سوی برخی نهادها قابل مشاهده است: «همایش شیرخوارگان حسینی» در مصلاي تهران نوعی فرهنگسازی سازمان‌یافته حول و حوش شخصیت‌ها و نمادهای عاشورایی است. مصداقی کردن روزهای آغازین محرم (روز شیرخوارگان حسینی با تکیه بر علی‌اصغر، روز نوجوانان با تکیه بر علی‌اکبر^(۱) و...)، شرکت مادرانی که با فرزندان‌شان آمده بودند؛ مادرانی که پس از سال‌ها دارای فرزند شده بودند، مادرانی که در آرزوی داشتن فرزند به حضرت علی‌اصغر^(۲) متوسل شده بودند و... از همه مهم‌تر پیوند دادن این آیین سنتی و کهن با مباحث روز... همه نوآوری است؛ نوآوری نسبت و در مقایسه با شکل سنتی عزاداری. این مشارکت بالای دولتی با چه انگیزه‌هایی صورت می‌گیرد؟ آفریدن نیازهای جدید یا پاسخ گفتن به نیازهای موجود. ایجاد شور یا مدیریت شور؟ کنترل و مدیریت تخیل مومن یا تشویق به دینداری؟ از سوی دیگر نوآوری‌های نسل جدید نیز هم محتوایی است و هم به فرم برمی‌گردد یعنی هم ناظر بر وجه دینی و اخلاقی آن است و هم ناظر بر استتیک و زیبایی‌شناسی آیین و مناسک مذهبی. نوآوری‌هایی که در متون عزاداری خود را نشان می‌دهد (تکیه بر زیبایی‌های فیزیکی شخصیت‌های تاریخی قیام، تکیه بر وجه دراماتیک شهادت‌ها، تکیه بر موقعیت انسان‌ها و نه الزاماً پیامی که به دنبال داشته است، عشق و...) و نیز در استفاده از موسیقی‌های جدید. این نوع مراجعه به فاجعه کربلا و این نوع سوگواری اگرچه در فرم و محتوا متفاوت است اما می‌تواند در ادامه همان توسل و شفاعت تعریف شود.

نقش و رویکرد روشنفکران را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

ادامه در صفحه ۱۱